

# رنجِ عظیم

دنیای داستانی سمیه مکیان  
ستون‌های خود را بر عمقِ ناخودآگاهِ سرشار از زخمِ انسان بنا نهاده

که برای او عاری از آغوش و نوازش بوده است؛ جهانی که در آن حافظه نیز آفت آرامش و ثبات آدمی است و در حمله‌هایی مداوم، قهرمان داستان را در جنگی همه‌جانبه و تمام‌وقت قرار می‌دهد. خانه که کوهی سنگین از آسیب را سر شخصیت اصلی آوار می‌کند، هسته مرکزی این آشوب است؛ جایی که مامن و مایه قرار نیست، بلکه آتشفشانی است که بی‌تعطیل و توقف، گدازه‌های ترس و ناامنی را بر دامنه‌اش روان می‌کند. قهرمان داستان، غلامرضا ساعتچی، آماج اصلی این فوران‌های بی‌امان است. کودکی نه‌چندان دلچسب از حضور حمایت‌گر پدر خالی است. مادر و خواهرها گرچه همواره دست‌نوازش و توجه بر سرش می‌کشند، اما چیزی از تاریکی این تنگنا که همگی در آن گرد هم آمده‌اند، نمی‌کاهند. مادر نیز با وسواسش بر وخامت اوضاع می‌افزاید. خواهر ناکام از زندگی مشترک که بار آندوه و خشم مضاعفی را با خود به همراه آورده، مضاف بر تمام سرخوردگی‌های دیگر، ذهن شخصیت کلیدی را درگیر خود می‌کند. ذهنی که باید همچون سیزیف از غروب تا سپیده‌دم این بار سنگین و تحمل‌ناپذیر را با خود تا بالای قله برد و باز به پایین بیفکند.

استقلال، هول‌انگیزترین واقعه محوری کتاب «غروب‌دار» است؛ نقطه‌ای است که شخصیت خود را به سر مویی متکی می‌بیند و تاب وحشت سقوط را ندارد. به عبارتی دیگر، او هرگز نمی‌تواند قائم به خویشتن باشد. همیشه چیزی مثل همان پوشک کودکی باید او را دربرگیرد تا گرمی و لطافتش، هراس تنهایی و بی‌تکیه‌گویی را دور نگه دارد. محیط اطمینان‌بخش پوشک، هر چند با خود عفن و آلودگی به همراه دارد و مایه آزار و طرد دیگران می‌شود، همچنان می‌تواند برای آدمی که تشنه نوازش است، ارزشمند باشد و آن را بر دنیای عاری از امنیت بیرون ترجیح دهد. چنین شکل نامتعارفی از زندگی، از این شخصیت جانوری می‌سازد که کمتر برای دیگران تحمل‌پذیر است؛ جانوری که باید از غروب تا صبح در لجن هستی خویش بلولد و از این سرگشتگی و غرق شدن در آندوه و بی‌کسی، لذتی مازوخیستی ببرد. انسانی که افسار خویش را کاملاً در اختیار ناخودآگاه گذاشته تا به هر سویی که می‌خواهد بکشانندش. این سمت‌وسو را همان آسیب‌هایی مشخص می‌کنند که در خانه کودکی رخ داده‌اند. خانه‌ای که کانون تمام این زخم‌های ناسور است؛ زخم‌هایی که امید به التیام‌شان

درک صحیحی از چندوچون روایت حاصل شود؛ در غیر این صورت باید مدام در کلافِ گره‌خورده خرده‌روایت‌های داستان‌ها، دست‌وپا بزند و از فهم موتیف‌های پرشمار قصه عاجز بماند. از این‌رو فرآیند خواندن داستان‌های مکیان دقتی همه‌جانبه می‌طلبد؛ نویسنده‌ای که با سه رمان «غروب‌دار»، «پنج شب» و «قهقهه» به تثبیت سبک خود پرداخته و در هر یک از این آثار تکه‌ای از مولفه‌های سبکی‌اش را به نمایش گذاشته است؛ آثاری که سیری تکوینی در داستان‌نویسی او را نشان می‌دهند.

روایت در اولین رمان مکیان، «غروب‌دار»، حول محور شخصیتی می‌گردد که از بدو تولد، جهانی نامن و بی‌رحم را تجربه کرده

### رضا فکری داستان‌نویس و روزنامه‌نگار

دنیای سورئال داستان‌های سمیه مکیان، همواره اتکایی بی‌چون‌وچرا بر ذهن مغشوش شخصیت‌های اصلی‌اش دارد. داستان برای او، پارلی با قطعه‌های ریزودرشت و ناهمگون است که مخاطب باید ذره‌ذره و با وسواس آنها را کنار هم بچیند. هر خطای جزئی در تحلیل داده‌های قصه منجر به بازگشت به نقطه آغازین و ازسرگرفتن دوباره بازی روایت می‌شود و مکیان بر چنین رویکردی همواره پا فشرده است. بنابراین تمرکز مخاطب باید کاملاً در قبضه داستان‌های او باشد تا



## سوگنامه زندگان



■ نویسنده:  
آرش آذرپناه  
■ ناشر: مهرودل

«سوگنامه زندگان»، داستانی است درباره مرگ و زندگی، بودن و نبودن، روح و تجسد انسان. داستان از منظر راوی اول شخص که پسرعموی خود «کیان آزادمهر» را در صحنه خودکشی از دست داده، روایت می‌شود. راوی، راد آزادمهر که دبیری چهل‌ساله است، بعد از مراسم تدفین و چهلمین روز، درصدد برمی‌آید که با شخصی به نام حمیدآوی که معتقد به روح و تناسخ و تجسد است، تماس بگیرد تا روح پسرعمویش را احضار کند.

## بازگشته



■ نویسنده:  
حمید نورشمسی  
■ ناشر: نیستان

«بازگشته» دومین رمان حمید نورشمسی است. نورشمسی در این رمان قهرمان داستان خود را روزنامه‌نگاری انتخاب کرده که سعی در کشف و بازیابی هویت و جایگاه خویش دارد. داستان این رمان از حضور قهرمان داستان در مراسم تشییع پیکر شهدای غواص آغاز می‌شود و بر خورد مخاطب با خانواده‌ای که سال‌هاست دو عضو از آنها در جریان جنگ تحمیلی مفقودالاثرا شده‌اند، او را به ماجرای کشف ماهیت و سرنوشت دو عضو مفقودالاثرا این خانواده هدایت می‌کند.

## جان غریب



■ نویسنده:  
ملاححت نیکی  
■ ناشر: بان

«جان غریب» داستان یک قتل در کمال خونسردی است که پیچیدگی‌های خودش را دارد و در نهایت شخصیت اصلی داستان یعنی آزاد را در موقعیت جدیدی قرار می‌دهد. آزاد جوانی است که از شهری شمالی به تبریز آمده تا در رشته‌ای فنی درس بخواند. در جریان اعتراضات دانشجویی او گرفتار کمیته انضباطی، تعلیق و بلاتکلیفی می‌شود و نهایتاً در حالی که هم‌کلاسی‌ها و هم‌فکرانش همه از مخمصه جسته و فارغ‌التحصیل شده‌اند، او معلق مانده است.